نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۷
سال سی و یکم، پاییز ۱۴۰۲، صفحه ۲۳۸ - ۲۱۳

تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران: رویکرد مدل جاذبه

هادی نائینی
دانشجوی مقطع دکتری علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد مالی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی،
دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
h.naeini@eco.basu.ac.ir
داود جعفری سرشت
استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)
d.jafariseresht@basu.ac.ir
سعید عیسی زاده
دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
s_eisazadeh@basu.ac.ir

سرمایه‌گذاری خارجی اثرات مثبت بسیاری بر اقتصاد کشورهای میزبان دارد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق انتقال فناوری و افزایش رقابت‌پذیری در محیط کسب و کار، امکان افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر را فراهم می‌نماید. کشورهای در حال توسعه همواره در تلاش بوده‌اند تا با فراهم نمودن زمینه‌های لازم و افزایش توان رقابت‌پذیری خود سهم بیشتری از سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نمایند. در این راستا دولت‌های مختلف ابتکارات متنوعی مانند امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه به عنوان ابزاری مطمئن جهت تشویق و ارتقای سرمایه‌گذاری خارجی را به کار برده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تدوین گردیده است. برای این منظور از رویکرد مدل جاذبه و الگوی اقتصاد سنجی پنل دیتا در دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد. تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران را به طور معنی‌داری کاهش داده است. علاوه بر آن ارتباط مثبت و از نظر آماری معنی‌داری بین متغیرهای وجود اشتراکات زبانی همچنین تولید ناخالص داخلی حقیقی کشورهای مبدا سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد.

طبقه‌بندی JEL: F51 ,C23, F21, F53 .
واژگان کلیدی: معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، سرمایه‌گذاری خارجی، مدل جاذبه، تحریم‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ / ۶ / ۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ / ۹ / ۵

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

۱. مقدمه

بدون تردید سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در رشد و توسعه کشورها ایفا می‌کند. کشورهای در حال توسعه به دلیل منافع بالقوه اقتصادی؛ از جمله انتقال تکنولوژی، مهارت‌های مدیریتی و سازمانی قوی‌تر، افزایش دسترسی به بازارهای خارجی و تنوع صادرات، برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با یکدیگر رقابت می‌کنند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب ارتقاء بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و ایجاد مشاغل پایدار و پر درآمد در کشورهای میزبان می‌گردد (بانک جهانی، ۲۰۱۷: ۱۹). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین از طریق برقراری پیوند و اتصال با بخش خصوصی محلی، امکان فراگیری روش‌های بالا بردن کیفیت و کارایی تولیدات را فرهم می‌نماید (همان منبع، ص. ۳۱). اقدامات بسیاری برای افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به جایگزین شدن قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ به جای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی اشاره نمود. این اقدام چارچوب قانونی و محیط فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در ایران را توسعه داده است. به طور خاص افزون بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری نیز تحت پوشش قانون جدید قرار گرفته است. توجه ویژه به نقش سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه‌های توسعه ایران از اهمیت موضوع سرمایه‌گذاری خارجی از دیدگاه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی در ایران حکایت دارد؛ برای نمونه در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه برای تحقق رشد متوسط سالانه ۲۱/۴ درصدی در سرمایه‌گذاری، دولت مکلف گردیده است اقدامات لازم مبنی بر جذب متوسط سالانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و قراردادهای مشارکتی خارجی به ترتیب تا پانزده و بیست میلیارد دلار را به عمل آورد. بنابراین استفاده از ابزارهای مختلف و ایجاد بسترهای مناسب برای افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری از جمله اقداماتی است که کشورهای در حال توسعه برای افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام داده‌اند و ایران از این واقعیت مستثنی نمی‌باشد. روند رو به رشد تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بین ایران و سایر کشورها نشان‌دهنده این واقعیت است که سیاست‌گذاران اقتصادی در سال‌های اخیر توجه بسیاری بر مذاکره و انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه معطوف داشته‌اند؛ به‌طوری که تا سال ۲۰۲۱ تعداد ۷۰ معاهده سرمایه‌گذاری دو جانبه بین ایران و سایر کشورهای جهان امضا شده است و به احتمال زیاد در آینده بر تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه افزوده خواهد شد. به این ترتیب، این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که آیا انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تأثیر قابل توجهی بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران داشته است یا خیر؛ بویژه اینکه انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری هزینه‌های بسیاری بر کشورهای طرف معاهده تحمیل می‌نماید. تعهد دولت‌ها به حمایت از حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران در چارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه احتمالاً مخاطرات را کاهش داده و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در این صورت معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه می‌توانند ساز و کار ایجاد حوزه قضایی به مکانی جذاب‌تر برای سرمایه‌گذاری باشند. اما در عین حال تعهد به معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه هزینه‌های حاکمیتی، یعنی هزینه‌هایی که دولت‌ها در هنگام مذاکرات، تصویب نمودن و تبعیت از معاهده سرمایه‌گذاری پرداخت می‌کنند را برای دولت میزبان به همراه دارد. هزینه‌های سیاسی تشکیل ائتلافی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی همچنین هزینه‌های مربوط به کنار گذاشتن طیف وسیعی از ابزارهای سیاستی مرتبط با اهداف اجتماعی یا توسعه‌ای داخلی (مالیات، مقررات، الزامات عملکرد، اختلال دارایی، و محدودیت‌های ارز و سرمایه) می‌تواند در این زمینه در نظر گرفته شود. قابل توجه‌ترین هزینه‌های حاکمیتی به تفویض اختیارات قضائی مرتبط است: تقریباً هرگونه تغییر قانون یا قاعده که بر سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر می‌گذارد به طور بالقوه توسط دادگاه خارجی مورد بررسی قرارمی‌گیرد (الکینز[1] و

1. Elkins

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

همکاران، ۲۰۰۶: ۸۲۵). همچنین هزینه‌های مستقیم مالی شامل هزینه‌های مذاکره و اجرای موافقتنامه‌ها، کمک‌های جاری به زیرساخت‌های قانونی مرتبط با یک معاهده و بدهی‌های احتمالی است که ممکن است از دعاوی اقامه شده تحت مفاد حمایت از سرمایه‌گذار در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین المللی ناشی شود (پهل[1]، ۲۰۱۸: ۴۳)؛ لذا تصمیم برای امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه همیشه مستلزم ارزیابی کشور میزبان در مورد بیشتر بودن منافع مورد انتظار جذب سود اضافی سرمایه خارجی بر این هزینه‌ها است (الکینز و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۸۲۵). بنابراین جای تردید نیست که بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و از این طریق امکان تدوین سیاست‌های متناسب با شرایط فعلی کشور فراهم خواهد شد. با عنایت به هدف پژوهش حاضر؛ یعنی آزمون تأثیرپذیری جذب سرمایه‌گذاری خارجی از معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه از مدل جاذبه استفاده خواهد شد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر از جنبه‌های مختلف دارای نوآوری است. نخست جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی دوجانبه به عنوان متغیر وابسته معرفی گردیده که تا کنون از این حیث، موضع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مورد بررسی واقع نشده است. دوم تأثیر امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته که پژوهش حاضر را از سایر مطالعات موجود متمایز می‌سازد. در نهایت پژوهش حاضر از نظر روش انجام پژوهش دارای نوآوری است؛ زیرا تا آنجا که نویسندگان این مقاله اطلاع دارند، تا کنون از مدل جاذبه برای توضیح عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران استفاده نگردیده است.

بخش‌های بعدی مطالعه حاضر به این صورت سازماندهی شده است. در بخش دوم مبانی نظری بیان شده است. بخش سوم به پیشینه پژوهش اختصاص دارد. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش، نحوه گردآوری داده‌ها و تصریح مدل تبیین می‌شود. بخش پنجم به بررسی نتایج حاصل از تخمین مدل می‌پردازد و سرانجام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش در بخش ششم بیان می‌شود.

---

1. Pohl

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

۲. مبانی نظری

موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری از جنبه‌های مختلف احتمال جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهند. تأثیر انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه در چارچوب نظریه هزینه مبادله قابل بررسی است. از دیدگاه نورث یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر هزینه‌های مبادله، تعریف دقیق حقوق طرفین و پیش‌بینی تضمین‌های لازم جهت اجرای قراردادها می‌باشد (رنانی، ۱۴۰۰: ۳۳۸)، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه با فراهم نمودن زیرساخت‌های حقوقی مناسب و بنابراین کاهش هزینه‌های مبادله سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای میزبان، امکان افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم می‌نمایند؛ به طور خاص، مفاد مربوط به حل و فصل منازعات و داوری بین‌المللی موجود در معاهدات مذکور از جمله مواردی است که تضمین‌های لازم در این زمینه را فراهم خواهند نمود. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هزینه‌های مبادله قابل توجه مرتبط با مذاکره و لازم الاجرا نمودن قراردادها هچنین هزینه‌های مرتبط با عملیات روزانه کسب و کار وجود دارند (کوکو[1] و همکاران، ۲۰۰۳: ۵۴). از جمله مفروضاتی که تحلیل هزینه مبادله بر آن تکیه می‌کند، فرض عقلانیت محدود است. فرض عقلانیت محدود در مورد شرکت‌های چند ملیتی به این معناست که این‌گونه شرکت‌ها صرفاً در کشورهایی حاضر به سرمایه‌گذاری خواهند بود که فضای قطعی و کمتر «عذاب آوری» دارند (سارا و نیوهاوس[2]، ۱۹۹۵: ۳۱۹-۳۲۰). هر اندازه قوانین یک کشور مبهم‌تر باشد، هزینه‌های مبادله تحقیق، مذاکره و انعقاد قراردادها بیشتر خواهد بود. علاوه بر آن، در کشورهایی که در آن قراردادهای منعقد شده به درستی اجرا نشده است، هزینه‌های مبادله دریافت خسارت برای قراردادهای لغو شده بیشتر است. این امر منجر به عدم تمایل بیشتر شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشورها خواهد شد (همان منبع). رویکرد هزینه مبادله با تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصادهای در حال توسعه و بین‌المللی مرتبط است به این دلیل که فضای کلی سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به پایداری کشورهای صنعتی شده نیست. بازارهای کارا به حمایت نهادهایی که قادرند قوانین رسمی

1. Kokko
2. Sara & Newhouse

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

و غیر رسمی بازی یک اقتصاد بازار را فراهم نمایند وابسته است. اگر نهادها ناپایدار یا ناآشنا باشند، سرمایه‌گذاران خارجی با نااطمینانی بیشتر، هزینه‌های بالاتر مذاکره و لازم الاجرا نمودن قراردادها مواجه می‌شوند (کوکو و همکاران، ۲۰۰۳: ۵۴).

علاوه بر نظریه هزینه مبادله، تأثیر معاهده سرمایه‌گذاری دو جانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در قالب نظریه علامت‌دهی و تعهدات معتبر قابل توضیح است. تعهدات معتبر را می‌توان به عنوان ساز و کار بستن دست‌ها در نظر گرفت (کرنر[1]، ۲۰۰۹: ۷۶ به نقل از فیرون[2]، ۱۹۹۷). ساز و کار بستن دست‌ها با ایجاد هزینه‌هایی عمل می‌کند که اگر بازیگر به تعهد خود در قبال معاهده پایبند نباشد، به طور واقعی متحمل می‌شود. نویسندگان نهادگرا این‌گونه استدلال کرده‌اند که معاهدات را می‌توان برای القای انطباق طراحی کرد. یک معاهده مؤثر به اندازه کافی پرهزینه است که تعهدات انجام شده در معاهده لزوماً معتبر باشد. معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه می‌توانند به عنوان ساز و کار بستن دست‌های مؤثر عمل کنند اگر و تنها اگر هزینه‌های واقعی سلب مالکیت و عدم پرداخت غرامت به اندازه کافی بالا باشد که کشورها از انجام این کار خودداری کنند (کرنر، ۲۰۰۹: ۷۶). کشورهایی که حقوق مالکیت داخلی ضعیفی دارند می‌توانند از طریق متعهد کردن خود برای احترام به حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی، جذابیت خود را به عنوان یک میزبان بالقوه افزایش دهند؛ به‌ویژه معاهده سرمایه‌گذاری دو جانبه می‌تواند یک ابزار تعهد برای غلبه بر مشکلات ناسازگاری پویا باشد. حضور معاهده سرمایه‌گذاری دو جانبه با سازوکار حل و فصل منازعات و مفاد جبران خسارت در صورت سلب مالکیت، از اقدامات کشور میزبان که تأثیری منفی بر سودآوری سرمایه‌گذاری به همراه دارد، محافظت می‌کند (هالوارد- دریمیر[3]، ۲۰۰۳: ۲). معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه توسط دولت‌های میزبان و سرمایه‌گذاران به عنوان ابزارهایی که بازده مورد انتظار سرمایه را افزایش می‌دهند، در نظر گرفته می‌شوند. معاهدات از طریق کمک به دولت‌ها در ایفای تعهدات معتبر نسبت به رفتار منصفانه با سرمایه‌گذاران خارجی، امکان افزایش بازده مورد انتظار سرمایه را فراهم می‌سازند. معاهدات

1. Kerner
2. Fearon
3. Hallward- Driemeier

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

سرمایه‌گذاری دوجانبه به دولت‌های میزبان مزیت رقابتی در جذب سرمایه می‌دهند (به جز در مواردی که تردیدهایی در مورد تمایل آنها برای اجرای منصفانه قراردادها وجود داشته باشد). بر این اساس، دولت‌هایی که اعتبار ذاتی پایین‌تری دارند، نسبت به دولت‌هایی که به دلیل رفتار منصفانه‌شان با سرمایه خارجی شناخته می‌شوند، احتمالاً معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه را امضا می‌کنند. در نتیجه پویایی رقابتی در میان میزبان‌های بالقوه برای کاهش ریسک و افزایش سودآوری سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود (الکینز[1] و همکاران، ۲۰۰۶: ۸۲۳- ۸۲۲).

تعهدات معتبر را می‌توان به عنوان عملکرد هزینه برگشت ناپذیر در نظر گرفت (کرنر، ۲۰۰۹: ۷۶ به نقل از فیرون، ۱۹۹۷). ساز و کار هزینه‌های برگشت ناپذیر، هزینه‌های قابل پیش‌بینی غیرقابل برگشتی را به یک عمل مرتبط می‌کند؛ به طوری که بازیگران صادق و غیر صادق را از هم جدا می‌کند. اقتصاددانان سیاسی معمولاً ادعا می‌کنند که معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه علامت مشاهده شده در سطح جهان هستند مبنی بر اینکه کشورها در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصمم هستند. منطقی که در این زمینه ارائه می‌شود این است که اشخاص ثالث با مشاهده این که کشور میزبان دست خود را نسبت به سایر سرمایه‌گذاران بسته است، استنباط می‌کنند که سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها نیز ایمن خواهد بود (کرنر ۲۰۰۹: ۷۹). انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه از جمله راهکارهایی است که از طریق آن یک کشور تعهد خود مبنی بر حمایت از سرمایه‌گذاران را علامت می‌دهد. در چارچوب نظام معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، رفتار نامناسب با سرمایه‌گذاران خارجی برای یک کشور پرهزینه خواهد بود. معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تنها یک علامت نیستند؛ بلکه در واقع به کشورهای میزبان انگیزه‌ای برای ایجاد یا حفظ نهادهایی را می‌دهند که از سرمایه‌گذاران حمایت می‌کنند. کشورهای با نهادهای داخلی بسیار ضعیفی که وارد نظام معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه می‌شوند، درگیر استراتژی مخاطره‌آمیزی هستند که اگر تصمیم به سلب مالکیت بگیرند، دعاوی پرهزینه را به دنبال دارد. مفاد داوری معاهدات، جنبه کلیدی اثربخشی این گونه معاهدات به عنوان علامت است. با افزایش تعداد

1. Elkins

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه با کشورهای توسعه یافته، این علامت واضح‌تر و تعهد معتبرتر می‌شود. این حالت به این دلیل رخ می‌دهد که منابع بالقوه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر و بیشتر، توسط ساز و کارهای اجرایی موجود در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه پوشش داده می‌شود. علاوه بر آن معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه ممکن است علامتی مبنی بر واریانس پایین‌تر بازده انتظاری سرمایه‌گذاران بر اساس سایر ویژگی‌های محیط سرمایه‌گذاری باشند. بنابراین دو کشور با مبانی اقتصادی مشابه، بسته به تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه لازم الاجرایی که دارند، سطوح مختلفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب می‌کنند و تأثیر نهایی معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه برای کشورهایی با بنیان‌های اقتصادی قوی‌تر، بیشتر خواهد بود (توبین و رز-آکرمن، ۲۰۱۱: ۷-۵). تصویب معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه می‌تواند پرهزینه باشد، زیرا انجام این کار مستلزم ایجاد ائتلاف داخلی حمایتی است، علیرغم این واقعیت که چنین معاهداتی اغلب به سرمایه‌گذاران خارجی حمایت‌های قانونی بیشتری نسبت به شرکت‌های داخلی اعطاء می‌کنند. بنابراین، تصویب حتی یک معاهده ممکن است علامتی مبنی بر قدرت ائتلاف طرفدار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در داخل یک کشور، به جامعه سرمایه‌گذاری جهانی ارسال نماید. معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه هزینه‌های حاکمیتی قابل توجهی برای کشورهای میزبان سرمایه در صورت عدم رعایت شرایط مندرج در معاهدات به همراه دارد. چنین معاهداتی توانایی دولت‌های میزبان را برای تنظیم متفاوت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شرکت‌های داخلی در خدمت اولویت‌های سیاست توسعه اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر، محدود می‌کند. در همین راستا، داشتن برنامه فعال معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه ممکن است علامت‌های شناختی را به شرکت‌های چند ملیتی ارسال نماید که یک بازار میزبان خاص، یک مکان بالقوه مشروع برای سرمایه‌گذاری است (دانزمن[1]، ۲۰۱۹: ۲۰).

1. Danzman

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات داخلی

با نگاهی گذرا به ادبیات داخلی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در می‌یابیم که تاکنون تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی از سایر کشورها به ایران مورد بررسی واقع نشده است. با این حال تنها یک مطالعه به شرح زیر در ادبیات داخلی در زمینه تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود.

حیدری هراتمه (۱۴۰۰) با استفاده از اطلاعات مربوط به ۵۱ کشور در حال توسعه و الگوی اقتصادسنجی پنل دیتا در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶، به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بیشتری با کشورهای توسعه‌یافته منعقد می‌کنند، جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری دریافت می‌کنند. در محیط‌های با ریسک بالا، تأثیر مثبت امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر بوده است. متغیر نشان‌دهنده اثرات متقابل معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و متغیر محدودیت‌های سیاسی (متغیر ثبات دولتی) از نظر آماری بی‌معنی (معنی‌دار) بوده است. درنهایت ضریب منفی و از نظر آماری معنی‌دار اثرات متقابل کیفیت سازمانی و متغیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر این امر دلالت دارد که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه به عنوان جایگزین کیفیت سازمانی بالا عمل می‌کنند.

۳-۲. مطالعات خارجی

مطالعات خارجی انجام شده در زمینه تأثیر انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس متغیر وابسته مورد بررسی، قابل طبقه‌بندی است. برای نمونه لی و ژائو[1] (۲۰۲۱) با استفاده از اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری بنگاه‌های هشت بازار نوظهور (هشت

1. Li & Zhao

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

کشور هند، چین، مالزی، کره، اندونزی، تایلند، ترکیه و فیلیپین) در ۹۲ کشور میزبان از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر انتخاب مکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. بر طبق نتایج حاصل از برآورد مدل لاجیت شرطی، ضریب متغیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه مثبت و از نظر آماری معنی‌دار بوده است؛ به عبارت دیگر کشورهایی که معاهدات سرمایه‌گذاری بیشتری امضاء می‌کنند مکان‌های جذاب‌تری برای سرمایه‌گذاری هستند. زمانی که اثرات متقابل متغیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه وزنی با متغیرهای ریسک سیاسی مرکب، ریسک سرمایه‌گذاری، و قانون و نظم در قالب مدل‌های جداگانه بررسی می‌شود، ضرایب اینگونه اثرات متقابل مثبت و از نظر آماری معنی‌دار مشاهده شده است، به این معنی که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه به عنوان مکمل مطلوب عمل می‌کنند و اعتماد سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند.

در برخی از مطالعات میزان کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده در کشورهای مختلف به عنوان متغیر وابسته به‌کار رفته است؛ لذا به طور طبیعی تأثیر تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تجمعی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی واقع شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه آگراوال[1] و همکاران (۲۰۱۷) اشاره نمود. ایشان با بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده به پنج کشور بنگلادش، هند، پاکستان، نپال و سریلانکا بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ دریافتند که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده توسط کشورهای مذکور، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن کشورها نشده است. ایشان همچنین با استفاده از مدل معمای زندانی نشان می‌دهند که اگر کشورهای آسیای جنوبی در سیاست امضا نکردن معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه با یکدیگر همکاری نمایند در نهایت در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به وضعیت بهتری خواهند رسید. مین[2] و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و جریانات ورودی

1. Agrawal
2. Min

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با استفاده از مدل‌های پنل ضریب تصادفی[1] پرداخته‌اند. نتایج تخمین نشان می‌دهد که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تأثیر مثبتی بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۶ دارند و با انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بیشتر، از شدت این تأثیر مثبت کاسته می‌شود. برای دوره پس از بحران مالی آسیا یعنی از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ هیچ تأثیر آماری معنی‌داری از معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یافت نشده است. همچنین، برای کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تأثیر شدیدتری بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته است.

بانگا[2] (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه و سایر عوامل مؤثر بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به پانزده کشور در حال توسعه آسیایی از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تأثیر مثبت معنی‌داری بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته؛ اما این معاهدات با کشورهای توسعه یافته است که تأثیر معنی‌داری بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه با کشورهای در حال توسعه تأثیر معنی‌داری بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته است. نویمایر و اسپس[3] (۲۰۰۵) به بررسی اثر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. نتایج تخمین‌ها بیانگر این است که افزایش تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده بین کشورهای در حال توسعه با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[4] سبب افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. نتیجه مذکور نسبت به تغییر در مشخصات مدل، روش تخمین (اثرات تصادفی و اثرات ثابت) و اندازه نمونه بسیار نیرومند بوده است. همچنین شواهد محدودی مبنی بر این که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه ممکن است

1. Random Coefficient Panel Models
2. Banga
3. Neumayer & Spess
4. OECD

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

به عنوان جایگزین کیفیت نهادی خوب داخلی عمل کنند وجود داشته است. اما این نتیجه نسبت به مشخصات مختلف کیفیت نهادی نیرومند نبوده است.

در برخی از مطالعات صورت‌پذیرفته، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوجانبه از کشورهای مبدأ به کشورهای میزبان مورد توجه واقع شده است که با رویکرد پژوهش حاضر مطابقت دارد. برای نمونه باسین و نوچا[1] (۲۰۱۶) با استفاده از رویکرد مدل جاذبه، به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقم خارجی به هند پرداخته‌اند. نتایج حاصل از مدل‌های پنل دیتای اثرات ثابت هچنین مدل گشتاورهای تعمیم یافته دو مرحله‌ای در دوره زمانی ۲۰۰۱ لغایت ۲۰۱۲ کم و بیش مشابه بوده‌اند و نقش مثبت معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه در جذب جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هند را تأیید می‌نماید. بر مبنای نتایج متغیرهای مجموع تولید ناخالص داخلی هند و کشور مبدا همچنین متغیر نشان‌دهنده باز بودن فضای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هند داشته‌اند. متغیر رشد جمعیت صرفاً در مدل اثرات ثابت مثبت و معنی‌دار بوده است. ضریب متغیر تفاضل تولید ناخالص داخلی سرانه هند و کشور مبدا منفی و از نظر آماری معنی‌دار بوده است. در نهایت ضریب متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وقفه دار مثبت و از نظر آماری معنادار بوده است. به عنوان یک مطالعه جامع در زمینه تأثیر امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان مطالعه انجام شده توسط هجینگ چن[2] و همکاران (۲۰۱۵) را برشمرد. ایشان با استفاده از مدل جاذبه و مدل دانش- سرمایه، به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریانات ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور چین از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده است که تعداد تجمعی معاهدات سرمایه‌گذاری امضا شده توسط چین، تأثیر مثبت و اندکی بر جریانات ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین داشته است. متغیر نشان‌دهنده وجود معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه همواره اثر مثبت و از نظر آماری معنی‌داری بر جریانات ورودی

1. Bhasin & Manocha
2. Hejing Chen

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین داشته است؛ در صورتی که تأثیر آن بر جریانات خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین منفی بوده و در برخی از مدل‌های برآوردی از نظر آماری معنی‌دار نبوده است. لژور و سلفی[1] (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری بر انباره سرمایه‌گذاری مستقیم دو جانبه خارجی از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۱ برای کشورهای موجود در مناطق مختلف و گروه‌های درآمدی متفاوت پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بین کشورها به طور متوسط، انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ۳۵ درصد افزایش می‌دهند. همچنین انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا دو برابر بیشتر از آن در بین سایر کشورها است. وجود معاهده سرمایه‌گذاری دو جانبه بین کشورهای با درآمد بالا[2] تأثیر معنی‌داری بر انباره سرمایه‌گذاری دو جانبه نداشته است. معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بین کشورهای با درآمد متوسط به بالا[3] یا درآمد بالا و متوسط به بالا، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه داشته است. معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بین کشورهای با درآمد بالا/متوسط به بالا و کشورهای کم درآمد[4]/ متوسط به پایین[5] اثر مثبت و معنی‌داری بر انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه داشته است. همچنین، معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بین کشورهای با درآمد بالا/ متوسط به بالا و کشورهای کم درآمد، تأثیرات مثبت و معنی‌دار بیشتری بر انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بین کشوهای با درآمد بالا/ متوسط به بالا و کشورهای با درآمد متوسط به پایین داشته‌اند. در نهایت، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تصویب شده با کشورهای آسیای شرقی همچنین اروپای مرکزی و شرقی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر انباره‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه داشته، و اثر آن نسبت به سایر مناطق بیشتر بوده است. باس[6] و همکاران (۲۰۱۰) با به‌کارگیری مدل جاذبه به بررسی تأثیر انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بین

1. Lejour & Salfi
2. High income countries
3. Upper middle income
4. Low income
5. Lower middle
6. Busse

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

کشورهای مبدأ و میزبان، بر جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تخمین مدل با روش‌های اثرات تصادفی، حداکثر راستنمایی پوآسن نما و روش‌های گشتاورهای تعمیم یافته تصادفی نشان دهنده این واقعیت بوده است که معاهده‌های سرمایه‌گذاری دو جانبه، سبب ارتقای جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه می‌شود. همچنین، ضریب منفی و معنی‌دار اثرات متقابل متغیرهای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و کیفیت نهادی نشان‌دهنده این واقعیت است که معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه به عنوان جانشین کیفیت نهادی عمل می‌کنند.

۴. روش‌شناسی پژوهش، نحوه گردآوری داده‌ها و تصریح مدل

در پژوهش حاضر برای بررسی اثر معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی از رویکرد مدل جاذبه استفاده می‌شود. مدل جاذبه ابتدا توسط راونشتاین[1] (۱۸۸۵) و زیپ[2] (۱۹۴۶) برای مدل‌سازی جریانات مهاجرت مورد استفاده واقع شد. در دهه ۱۹۶۰ از مدل‌های جاذبه برای تجزیه و تحلیل جریانات تجاری بین‌المللی استفاده شد؛ به‌طوری‌که نخستین بار تینبرگن[3] (۱۹۶۲) ایده استفاده از مدل جاذبه برای «تعیین الگوی عادی یا استاندارد تجارت بین‌المللی که در صورت عدم وجود موانع تجاری غالب می‌شود» را در قالب یک مدل اقتصاد سنجی به تیم همکاران موسسه اقتصادی هلند پیشنهاد نمود (بندیکتیس و تاگلیونی[4]، ۲۰۱۱، ص. ۵۶). مستقل از تینبرگن، پویهونن[5] (۱۹۶۳) مقاله‌ای با عنوان «مدل آزمایشی برای حجم تجارت بین کشورها» را با استفاده از رویکردی مشابه، منتشر کرد. در ادامه لینمان[6] (۱۹۶۶) متغیرهای بیشتری به مدل اضافه کرد و به سمت توجیه نظری مدل جاذبه بر حسب سیستم تعادل عمومی والراسی پیش رفت

1. Ravenstein
2. Zipf
3. Tinbergen
4. Benedictis & Taglioni
5. Poyhonen
6. Linnemann

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

(بندیکتیس و تاگلیونی، ۲۰۱۱: ۵۶، داردورف[1]، ۱۹۹۸: ۹). اندرسون و ینکوب[2] (۲۰۰۳) بر غنای ادبیات مدل جاذبه تجارت افزوده و با تکیه بر بینش اولیه مدل جاذبه مبنی بر اینکه اندازه کشور با تجارت همبستگی مثبت دارد در حالی که فاصله بین کشورها با تجارت همبستگی منفی دارد، دو متغیر اضافی: مقاومت چندجانبه بیرونی و درونی را معرفی نمودند (زندر[3]، ۲۰۲۲، ص. ۷). معادله پیشنهادی تینبرگن با الهام از قانون جاذبه به صورت زیر است (مگی[4]، ۲۰۱۴، ص. ۱۵۰):

$$X_{ij} = C\frac{Y_i Y_j}{D_{ij}} \qquad (۱)$$

که در آن X_{ij} نشان‌دهنده اندازه جریانات تجاری بین دو کشور i و j است، Y_i و Y_j به ترتیب نشان‌دهنده اندازه اقتصادی کشور i و کشور j است که با تولید ناخالص داخلی کشورهای یاد شده اندازه‌گیری می‌شود، D_{ij} فاصله بین دو کشور i و j را نشان می‌دهد و C مقدار ثابتی است. معادله جاذبه نشان می‌دهد که میزان جریان تجاری بین دو کشور مستقیماً با اندازه اقتصادی آنها رشد می‌کند و بسته به هزینه حمل و نقل بین آنها که با فاصله بین مراکز اقتصادی دو کشور اندازه‌گیری می‌شود، کاهش می‌یابد. فاصله در قانون جهانی جاذبه، مقاومت نیروهای جاذبه بین دو نقطه را نشان می‌دهد. در تجارت بین‌الملل، نیروی مقاوم جاذبه بین دو کشور در تمام عواملی که مانع جریانات بین‌المللی کالا، خدمات، سرمایه، کار و فناوری هستند، تجسم یافته است (مگی، ۲۰۱۴: ۱۵۱).

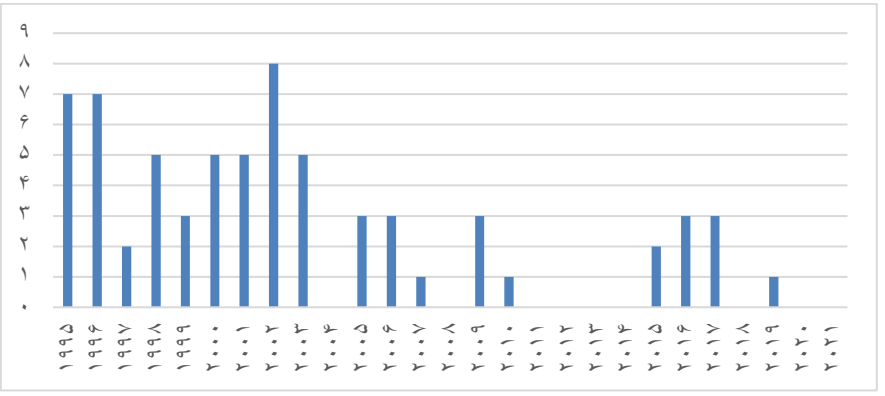
مدل جاذبه از جمله پرکاربردترین مدل‌های مورد استفاده در ادبیات تجربی است که عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف را تجزیه و تحلیل می‌کند. معادله جاذبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با اقتباس از تحولات نظری که از کاربرد مدل جاذبه در تجارت بین‌الملل حمایت می‌کنند، به طور گسترده در ادبیات تجربی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده شده است (میستورا و رولت[5]، ۲۰۱۹، ص. ۱۸). مشخصات مدل جاذبه همانند جریانات تجاری، به

1. Deardorff
2. Anderson & Wincoop
3. Zander
4. Megi
5. Mistura & Roulet

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

خوبی با داده‌های بین کشوری در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطابقت دارد (بلونگین[1]، ۲۰۰۵: ۳۹۳). از این رو در پژوهش حاضر از مدل جاذبه به عنوان ابزار استاندارد تجربی برای تجزیه و تحلیل جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران و تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر آن استفاده خواهد شد.

اطلاعات مربوط به معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه از پایگاه داده معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی آنکتاد استخراج شده است. بر اساس اطلاعات موجود، تا سال ۲۰۲۱ میلادی، ۷۰ معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه بین ایران و سایر کشورهای جهان امضا شده است.[2] ایران از نظر تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده رتبه هفدهم را در بین کشورهای جهان دارا می‌باشد. روند امضای موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه بین ایران و سایر کشورهای جهان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ میلادی در نمودار (۱) ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیشترین تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده با تعداد ۸ معاهده به سال ۲۰۰۲ میلادی اختصاص دارد.



نمودار ۱. تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده ایران از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

توزیع جغرافیایی تعداد موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری امضا شده بین ایران و سایر کشورها در نمودار (۲) ارائه شده است. بیشترین تعداد موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری امضا شده ایران با کشورهای

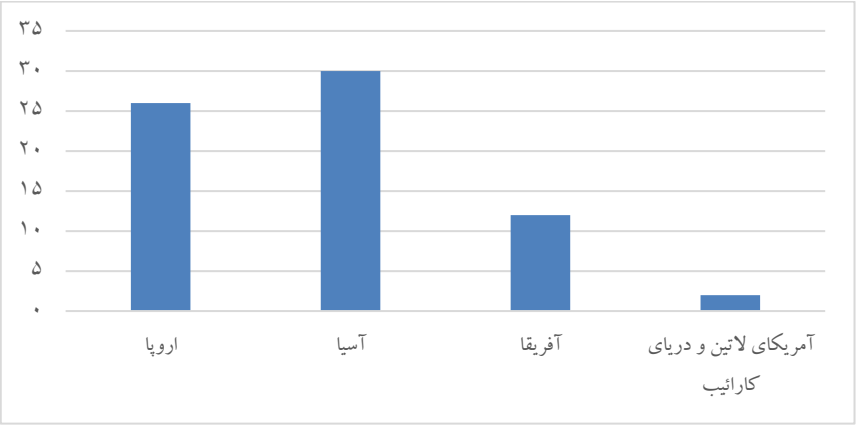
1. Blonigen

۲. تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه لغو شده در نظر گرفته نشده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

آسیایی بوده و فقط دو موافقتنامه سرمایه‌گذاری با کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب، یعنی ونزوئلا و نیکاراگوئه به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۹ به امضا رسیده است.



نمودار ۲. توزیع جغرافیایی تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری امضا شده بین ایران و سایر کشورهای جهان
مأخذ: یافته‌های پژوهش

مدل و متغیرهای مورد استفاده در مطالعه حاضر برگرفته از مدل پیشنهادی هجینگ چن و همکاران (۲۰۱۵) است که به صورت زیر می‌باشد:

$$LnFDI_{ijt} = \beta_0 + \beta_1 LnGDP_{it-1} + \beta_2 LnGDP_{jt-1} + \beta_3 LnDistance_{ij} + \beta_4 Language_{ij} + \beta_5 BIT_{ijt} + \beta_6 BITS_t + \beta_7 Sanctions_t + \varepsilon_{ijt} \quad (۲)$$

که در آن $LnFDI_{ij}$ لگاریتم سرمایه‌گذاری خارجی حقیقی جذب شده از کشور i در کشور j (ایران) می‌باشد و با عنایت به اینکه در پژوهش حاضر سرمایه‌گذاری خارجی بر حسب دلار اندازه‌گیری می‌شود برای تبدیل سرمایه‌گذاری خارجی اسمی به حقیقی از شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی[1] ایالات متحده آمریکا استفاده شده است. منظور از سرمایه‌گذاری خارجی در این پژوهش، تمامی

1. GDP deflator

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل، سرمایه‌گذاری در سبد سهام و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری است.

$LnGDP_i$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی کشور i است.

$LnGDP_j$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی کشور j (ایران) می‌باشد. برای محاسبه تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران و کشورهای طرف معاهده از آمار موجود در سایت بانک جهانی استفاده می‌شود. تولید ناخالص داخلی جاری ایران و کشورهای طرف معاهده با استفاده از شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی آمریکا به مقدار حقیقی تبدیل می‌شود.

$LnDistance_{ij}$ لگاریتم فاصله بین پایتخت کشور i و پایتخت کشور j (ایران) و برحسب کیلومتر است.

$Language_{ij}$ متغیر نشان‌دهنده وجود زبان مشترک بین کشور i و کشور j (ایران) است؛ به این معنی که اگر بین ایران و کشور مبدأ سرمایه، اشتراکات زبانی (یک یا ترکیبی از چند زبان مشترک) وجود داشته باشد، متغیر یاد شده مقدار یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر می‌باشد.[۱]

$Sanctions_t$ متغیر نشان‌دهنده وجود تحریم‌های شدید در سال t است.

BIT_{ijt} متغیر مجازی نشان‌دهنده وجود معاهده سرمایه‌گذاری بین کشور i و کشور j (ایران) در سال t است. به طور دقیق‌تر مطابق با رویکرد هجینگ چن و همکاران (۲۰۱۵)، اگر معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه بین کشور i و کشور j (ایران) در سال t موجود باشد، مقدار متغیر 〖BIT〗_ijt 〖 برابر با یک و در غیر اینصورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. اطلاعات مربوط به معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه امضاء شده ایران از پایگاه داده معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی آنکتاد استخراج شده است.

$BITS_t$ متغیر نشان‌دهنده تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بین ایران و سایر کشورها در سال t است. با عنایت به اینکه سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده از سایر کشورها در ایران در برخی از

---

۱. فهرست زبان‌های رایج کشورها در وبسایت CIA World Factbook قابل مشاهده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

سال‌ها صفر می‌باشد، سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده (برحسب دلار) با عدد یک جمع بسته شده است.

در نهایت خاطر نشان می‌سازد که برای بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ میلادی از آمار مربوط به میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی از ۲۸ کشور اصلی سرمایه فرست به ایران یعنی اتریش، اسپانیا، استرالیا، آلمان، انگلیس، ایتالیا، سوئیس، فرانسه، قبرس، هلند، افغانستان، ترکیه، عراق، چین، امارات متحده عربی، کانادا، سوئد، پاکستان، آذربایجان، هند، روسیه، کره جنوبی، مالزی، فنلاند، موریس، دانمارک، سریلانکا و گرجستان که اطلاعات مربوط آن در پایگاه داده سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران موجود است، استفاده می‌شود.

۵. برآورد مدل

به منظور حصول اطمینان از صحت نتایج تخمین‌ها و اجتناب از پدیده رگرسیون کاذب، ابتدا مانایی متغیرها آزمون شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد داده‌های پنلی برای متغیرها در جدول (۱) ارائه شده‌اند. با عنایت به اینکه مقدار آماره آزمون برای تمامی آزمون‌ها در ناحیه رد قرار می‌گیرد، فرض صفر مبنی بر نامانایی متغیرها رد می‌شود؛ بنابراین تمامی متغیرها در سطح مانا می‌باشند.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد در داده‌های پنلی

	LnFDI		LnGDP_i		LnGDP_j	
	آماره آزمون	مقدار احتمال	آماره آزمون	مقدار احتمال	آماره آزمون	مقدار احتمال
Levin, Lin & Chu t	-۱۳/۴۶۵	۰/۰۰۰	-۸/۸۲۰	۰/۰۰۰	-۶/۹۷۱	۰/۰۰۰
Im, Pesaran and Shin W-stat	-۱۰/۹۴۷	۰/۰۰۰	-۶/۳۱۷	۰/۰۰۰	-۳/۷۲۳	۰/۰۰۰
ADF - Fisher Chi-square	۱۹۸/۸۲۶	۰/۰۰۰	۱۳۲/۰۶۰	۰/۰۰۰	۸۶/۷۶۳	۰/۰۰۵
PP - Fisher Chi-square	۲۱۳/۸۱۴	۰/۰۰۰	۲۰۵/۵۸۸	۰/۰۰۰	۵۴/۸۲۹	۰/۵۱۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

برای بررسی قابلیت تخمین مدل به صورت پنل از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون نشان‌دهنده یکسان بودن عرض از مبدا مقاطع می‌باشد. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۲) ارائه شده است. با عنایت به اینکه آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار دارد بنابراین فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدا مقاطع رد شده و مدل به صورت پنل تخمین زده می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر

آزمون F لیمر	آماره آزمون	مقدار احتمال	درجه آزادی
مدل (۲)	۹/۶۷	۰/۰۰۰	۲۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای تخمین الگوی رگرسیونی پنل دو روش اثرات ثابت و تصادفی وجود دارد که به نحوه تعیین عرض از مبدا مقاطع مرتبط می‌باشند. پس از انتخاب الگوی رگرسیونی پنل از طریق آزمون F لیمر، لازم است نحوه همبستگی عرض از مبدا مقاطع با متغیرهای توضیحی تشخیص داده شود. در مدل اثرات ثابت به هر مقطع یک عرض از مبدا منحصر به فرد اختصاص داده می‌شود که در طول زمان تغییر نمی‌کند و با متغیرهای توضیحی همبستگی دارد؛ در صورتی که در مدل اثرات تصادفی فرض بر این است که عرض از مبدا مقاطع دارای توزیع تصادفی بوده و یا فاقد همبستگی با متغیرهای توضیحی است. آزمون هاسمن امکان انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی را فراهم می‌نماید. فرض صفر در آزمون هاسمن معادل با وجود اثرات تصادفی است. آماره آزمون هاسمن دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی K است که در آن K تعداد متغیرهای توضیحی است. نتایج آزمون هاسمن در جدول(۳) ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود آماره آزمون هاسمن در ناحیه بحرانی قرار ندارد (مقدار احتمال بزرگتر از ۰/۰۵ است) که بر ضرورت استفاده از روش اثرات تصادفی دلالت دارد. بنابراین، در تخمین مدل (۲) از روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

آزمون هاسمن	آماره آزمون	مقدار احتمال	درجه آزادی
مدل (۲)	۱/۱۴	۰/۹۹۲	۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد مدل (۲) با استفاده از روش اثرات تصادفی در جدول (۴) ارائه شده است. آماره والد در مدل نشان‌دهنده معنی‌داری کل رگرسیون می‌باشد. ضریب متغیر مجازی معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه در مدل (۲) مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر وجود معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه بین ایران و کشور طرف معاهده سبب افزایش ۱/۶ درصدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ایران می‌شود. این نتایج با شواهد تجربی موجود در ادبیات مرتبط با معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه مانند باسین و نوچا (۲۰۱۶) همچنین باس و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. ضریب مثبت و از نظر آماری معنی‌دار متغیر تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر این نکته دلالت دارد که با افزایش تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سایر کشورهای افزایش می‌یابد که با نتایج بسیاری از مطالعات موجود از جمله حیدری هراتمه (۱۴۰۰) و نویمایر و اسپس (۲۰۰۵) مطابقت دارد. ضریب مثبت و از نظر آماری معنی‌دار متغیر مجازی وجود زبان مشترک در مدل (۲) نشان می‌دهد که کشورهایی که دارای زبان مشترک با ایران هستند ۴/۸ درصد بیشتر در ایران اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. ضریب منفی و از نظر آماری معنی‌دار متغیر مجازی تحریم‌ها نشان می‌دهد که در زمان اعمال تحریم‌ها، جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران ۱/۷ درصد کاهش یافته است. ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی کشورهای سرمایه فرست مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است؛ به این معنی که با افزایش یک درصدی در تولید ناخالص داخلی کشورهای سرمایه فرست، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۱/۱ درصد افزایش می‌یابد. درنهایت، ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران همچنین فاصله جغرافیایی بین ایران و سایر کشورها علی‌رغم داشتن علائم انتظاری، از نظر آماری بی‌معنی است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

جدول ۴. نتایج تخمین مدل (۲) با استفاده از روش اثرات تصادفی

متغیرها	ضرایب تخمین	انحراف معیار	آماره Z	مقدار احتمال
LnGDPi	۱/۱۰۲	۰/۳۰۱	۳/۶۵	۰/۰۰۰
LnGDPj	-۰/۶۹۴	۰/۶۳۶	-۱/۰۹	۰/۲۷۵
Lndistance	-۰/۱۵۶	۱/۰۲۰	-۰/۱۵	۰/۸۷۸
Sanctions	-۱/۷۳۷	۰/۴۹۱	-۳/۵۳	۰/۰۰۰
BIT	۱/۶۰۸	۰/۸۰۴	۲/۰۰	۰/۰۴۶
BITS	۰/۰۷۷	۰/۰۳۸	۲/۰۱	۰/۰۴۵
Language	۴/۸۵۴	۱/۶۸۵	۲/۸۸	۰/۰۰۴
Cons	-۹/۲۵۶	۱۵/۰۲۸	-۰/۶۲	۰/۵۳۸
	Prob > chi2 = ۰/۰۰۰			
	Number of observations = ۵۳۱			
	Wald chi2 (7) = ۴۴/۲۱			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در دو دهه گذشته برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور در تلاش بوده‌اند تا با ایجاد محیط مناسب و رفع موانع و چالش‌های موجود در زمینه سرمایه‌گذاری، سهم بیشتری از جریانات سرمایه‌گذاری خارجی را به ایران هدایت نمایند. همگام با افزایش تمایل روز افزون برای جذب سرمایه‌های خارجی در بین کشورهای منطقه، سیاست‌گذاران اقتصادی همواره در پی یافتن راهی برای حفظ و ارتقای قدرت رقابت‌پذیری در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده‌اند. در این راستا ورود به نظام معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه یکی از روش‌های رایج برای افزایش قدرت رقابت‌پذیری در جذب سرمایه خارجی از نظر سیاست‌گذاران در ایران بوده است. معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، جریانات سرمایه‌گذاری خارجی دوجانبه بین کشورهای طرفین معاهده را تقویت می‌کنند. بیشتر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه علاوه بر فراهم نمودن ابزارهای بین‌المللی حل و فصل منازعات؛ رفتار منصفانه، برابر، غیرتبعیض آمیز و رفتار ملی و ملت کامله‌الوداد را برای سرمایه‌گذاران خارجی تضمین می‌کنند. علاوه بر این، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

چارچوب قوانین بین‌المللی، حمایت قانونی از دارایی‌های فیزیکی و مالکیت معنوی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کنند. به این ترتیب معاهدات یاد شده حتی نسبت به قوانین ملی، شرایط قابل اعتمادتر و شفاف‌تری را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کنند. در نهایت معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه هزینه‌های سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهند و از این طریق جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی را ارتقا می‌دهند.

در این پژوهش تأثیر انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای عمده سرمایه فرست به ایران با رویکرد مدل جاذبه مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است و از این طریق بر غنای ادبیات موجود در حوزه معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه می‌افزاید. نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده این واقعیت است که انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه، تأثیر معنی‌داری بر افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشور طرف معاهده در ایران داشته است. علامت مثبت و از نظر آماری معنی‌دار متغیر تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تجمعی از مزایای مثبت متعهد بودن به نظام معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه حکایت دارد؛ به عبارت دیگر، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه با ایجاد چارچوب قانونی مناسب برای فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در مجموع به ارتقای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کمک کرده‌اند. ضریب منفی و به لحاظ آماری معنی‌دار متغیر تحریم‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان از یک طرف با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران را کاهش داده و از سوی دیگر با ایجاد موانعی از قبیل تحریم نظام بانکی در عمل محدودیت‌های جدی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سطح مناسب را فراهم ساخته است. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که کاهش تنش‌های سیاسی و به دنبال آن رفع تحریم‌ها، به ایجاد محیطی با ثبات کمک کرده و افزایش هر چه بیشتر تمایل سرمایه‌گذاران و جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران را به دنبال داشته باشد. در نهایت، ضریب مثبت و از نظر آماری معنی‌دار متغیر وجود زبان مشترک از این واقعیت حکایت دارد که هر اندازه سرمایه‌گذاران در برقراری ارتباطات مؤثر موفق‌تر بوده و از قابلیت دسترسی بیشتری به اطلاعات مرتبط با محیط کسب

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

و کار و قوانین و مقررات مربوطه برخوردار باشند به همان اندازه تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ایران داشته و سرمایه‌های بیشتری به کشور وارد خواهد شد. با عنایت به نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر می‌تواند زمینه افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را فراهم نماید:

- کاهش هزینه‌های مبادله سرمایه‌گذاران خارجی در ایران از طریق ارتقاء و ترویج روابط فرهنگی و زبانی با هدف افزایش جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به داخل کشور.
- استفاده از ساز و کارهای مستقیم تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه از قبیل، تبادل نهادینه شده اطلاعات مرتبط با سرمایه‌گذاری، تقویت ارتباط بین سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های داخلی همچنین تشویق انتقال فناوری.
- افزایش مناسبات دوجانبه و چندجانبه در عرصه‌های مختلف با کشورهای منطقه و جهان همچنین کاهش تنش‌ها سیاسی در عرصه بین‌الملل، با هدف کاهش اثرات سوء تحریم‌های اقتصادی بر جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

منابع

رنانی، محسن (۱۴۰۰). *بازار یا نا بازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

حیدری هراتمه، مصطفی (۱۴۰۰). «تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه». *فصلنامه رهیافتی در مدیریت بازرگانی*، ۲ (۴)، صص۱۲۸-۱۱۳.

Agrawal S., Sethi T. and A. Dwivedi (2017). "Have Bilateral Investment Treaties Increased FDI into South Asia?". *Business Analyst*, 37(2), pp. 57-78.

Banga R. (2006). "Do Investment Agreements Matter?". *Journal of Economic Integration*, 21(1), pp. 40-63.

De Benedictis L. and D. Taglioni (2011). "The Gravity Model in International Trade. In L. De Benedictis, L. Salvatici (Eds), The trade Impact of European Union Prefrential Policies: An analysis though gravity models," Springer Berlin Heidelberg. pp. 55-90.

Blonigen B.A. (2005). "A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants". *Atlantic economic journal*, No. 33, pp. 383-403.

Busse M., Koniger J. and P. Nunnenkamp (2010). "FDI Promotion Through Bilateral Investment Treaties: More Than a Bit?". *Review of World Economics*, 146(1), pp.147-177.

Chen H., Li C. and J. Whalley (2015). "The Impact of BITs and DTTs on FDI Inflow and Outflow: Evidence from China". *Centre for International Governance Innovation Papers*. No 75.

Deardorff A. (1998). "Determinants of Bilateral Trade: Does Gravity Work in a Neoclassical World?". In The regionalization of the world economy. University of Chicago Press. pp. 7-32.

Elkins Z., Guzman A.T. and B.A. Simmons (2006). "Competing for Capital: The Diffusion of Bilateral Investment Treaties, 1960-2000". *International Organization*, 60(4), pp. 811-846.

Hallward–Driemeier M. (2003). "Do Bilateral Investment Treaties Attract Foreign Direct Investment? Only a Bit … and They Could Bite". *World Bank Policy Research Working Papers*. No 3121.

Lejour A. and M. Salfi (2015). "The Regional Impact of Bilateral Investment Treaties on Foreign Direct Investment". *CBI Netherlands Bureau for Economic Policy Analysis Discussion Papers.* No 298.

Li S. and L. Zhao (2021). "Bilateral Investment Treaties and Foreign Direct Investment: Evidence from Emerging Market Firms". *Research in International Business and Finance*, 58 (C), pp. 1-12.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]

Megi M. (2014). "The Gravity Model on EU Countries– An Econometric Approach". *European Journal of Sustainable Development*, 3(3), pp. 149- 158.
Min B. S., Mujumdar S., J. C. Rhim (2011). "Bilateral Investment Treaties and Foreign Direct Investment". *Global Business and Fjnance Review*, Spring, pp. 75-87.
Mistura F. and C. Roulet (2019). "The Determinants of Foreign Direct Investment: Do Statutory Restrictions matter?". *OECD Working Papers on International Investment*, 2019/01, OECD Publishing, Paris. http://dx.doi.org/10.1787/641507ce-en
Neumayer E. and L. Spess (2005). "Do Bilateral Investment Treaties Increase Foreign Direct Investment to Developing Countries?". *World Development*, 33(10), pp.1567-1585.
Pohl J. (2018). "Societal Benefits and Costs of International Investment Agreements: A Critical Review of Aspects and Available Empirical Evidence". *OECD Working Papers on International Investment*, 2018/01.
Salacuse J. W. (1990). "BIT by BIT: The Growth of Bilateral Investment Treaties and Their Impact on Foreign Investment in Developing Countries". *The International Lawyer*, 24(3), pp. 655-675.
Sara T.S. and B. Newhouse (1995). "Transaction Costs and Foreign Direct Investment in Developing Countries". *International Advances in Economic Research*, No.1, pp.317-325.
Tobin J. L. and S. Rose-Ackerman (2011). "When BITs Have Some Bite: The Political-Economic Envirronment for Bilateral Investment Treaties". *The Review of International Organizations*, 6(1), pp. 1-32.
UNCTAD. (2009). *The Role of International Investment Agreements in Attracting Foreign Direct Investment to Developing Countries*. New York and Geneva. United Nations. UNCTAD Series on International Investment Policies for Development.
World Bank (2017). Global Investment Competitiveness Report 2017/2018: Foreign Investor Perspectives and Policy Implications. The World Bank.
Zander T. (2023). "FDI Flows and the Effects of the Shadow Economy: Evidence from Gravity Modelling". *Athens Journal of Business & Economics*, No. 9, pp. 1-25.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.107.213]